

Community-Oriented Prevention in the Holy Quran (*Al-Qur'ān al-Karīm*)

Sadeq Golestani

Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research Institute,
Qom, Iran. sadeq.golestani47@yahoo.com

Abstract

Normativity, in its various coercive and committed forms, is among the prominent needs of any society, and without it, its planning and operationalization for achieving social goals would become difficult and perhaps impossible. The various mechanisms that are employed in society to achieve this purpose are called prevention. The problem of the present research is the analysis of this category in its community-oriented form, which entails committed and not coercive agency. In this article, an attempt has been made to examine the aforementioned problem in the light of the revelatory verses (*Āyāt*). This type of prevention is pursuable in various forms, and in this article, two dimensions of emotional bond and the health of social manifestations, which have a different role in normativity, are examined. In this research, the method of thematic exegesis (*Tafsīr*) and the technique of logical analysis have been utilized in the exegesis of the verses. The results demonstrated that the depth and expansion of emotional bonds among the members of society, which is considered the social mortar, prepares the psychological context for the empathetic acceptance of norms, and the health of social manifestations, through the elimination of the boundary and grandeur of norms in the mentality of the society and the public culture, affects human agency and obliges him for the acceptance of the rules and conventions (*I'tibāriyyāt*) of the society that have been formulated to facilitate social relations.

Keywords: Community-oriented prevention, Social emotions, Social health, Normativity, Holy Quran (*Al-Qur'ān al-Karīm*).

Cite this article: Golestani, S. (2026). Community-Oriented Prevention in the Holy Quran (*Al-Qur'ān al-Karīm*). *Social-Cultural Studies of Hawzah*, 10(1), p. 311-328. <https://doi.org/10.22034/scs.2026.71476.1404>

Received: 2025-08-18 ; **Revised:** 2025-10-08 ; **Accepted:** 2025-10-27 ; **Published online:** 2026-03-30

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article



پیشگیری جامعه‌مدار در قرآن کریم

صادق گلستانی

استادیار، گروه جامعه‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران. sadeq.golestani47@yahoo.com

چکیده

هنجارمندی در صورت‌های مختلف اکراهی و متعهدانه، از نیازهای ممتاز هر جامعه‌ای است و بدون آن برنامه‌ریزی و عملیاتی‌سازی آن برای رسیدن به اهداف اجتماعی سخت و چه بسا ناممکن خواهد شد. سازوکار مختلفی که در جامعه برای رسیدن به این منظور بکار گرفته می‌شود، پیشگیری نامیده می‌شود. مسأله پژوهش حاضر تحلیل این مقوله در صورت جامعه‌مدار آن است که کنشگری متعهدانه و نه اکراهی را در پی دارد. در این مقاله تلاش شده تا در پرتو آیات و حینانی مسأله مذکور مورد بررسی قرار گیرد. این نوع پیشگیری در صورت‌های مختلف قابل پیگیری بوده و در این مقاله دو بُعد پیوند عاطفی و سلامت مظاهر اجتماعی که نقش متفاوتی در هنجارمندی دارند، بررسی می‌شود. در این پژوهش از روش تفسیر موضوعی و شیوه تحلیل منطقی در تفسیر آیات استفاده شده است. نتایج نشان داد، عمق و گسترش پیوندهای عاطفی بین اعضای جامعه که ملاط اجتماعی شمرده می‌شود، بستر روانی پذیرش همدلانه هنجارها را آماده می‌کند و سلامت مظاهر اجتماعی، از طریق حذف حریم و شکوه هنجارهایی در ذهنیت جامعه و فرهنگ عمومی، بر کنشگری انسان اثر می‌گذارد و او را برای پذیرش قواعد و اعتباریات جامعه که جهت تسهیل در روابط اجتماعی تدوین شده، ملتزم می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: پیشگیری جامعه‌مدار، عواطف اجتماعی، سلامت اجتماعی، هنجارمندی، قرآن کریم.

استناد به این مقاله: گلستانی، صادق (۱۴۰۵). پیشگیری جامعه‌مدار در قرآن کریم. *مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه*. ۱۱۰(۱)، ص ۳۱۱-۳۲۸.

<https://doi.org/10.22034/scs.2026.71476.1404>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه؛ نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. ۱۴۰۵/



<https://gnoe.bou.ac.ir/>

۱. مقدمه

اجتماعی بودن انسان، وجود مجموعه‌ای از اعتباریات و قواعد معطوف به تنظیم روابط بین کنشگران و مدیریت کلان جامعه را ضروری می‌سازد. این اعتباریات به تناسب وزن اجتماعی و میزان تأثیری که در جامعه دارند، از مراتب اهمیت برخوردارند. به‌رغم اهمیت این اعتباریات و قواعد نظم‌بخش زیست اجتماعی، جامعه انسانی همواره نوعی از هنجارشکنی و کج‌روی را تجربه کرده است و این رفتار به موازات حرکت تاریخی جامعه از سادگی به پیچیدگی مسیر خود را ادامه داده و شکل‌های متنوع‌تر و پیچیده‌تر پیدا کرده است و به دلیل خواستگاه انسان‌شناختی‌اش، همواره حضور خود را در زندگی اجتماعی حفظ خواهد کرد. این حقیقت را از برخی آیات قرآن کریم نیز می‌توان برداشت کرد؛ از همین رو است که برخی کج‌روی را به عنون پدیده طبیعی تلقی می‌کنند. ارزش‌ها و قواعد اجتماعی، تسهیل‌کننده روابط اجتماعی و زمینه‌ساز ثبات و آرامش جامعه هستند و هر دسته از آن عهده‌دار بخشی از هدف اجتماعی بوده و در مجموع سعادت اجتماعی را تأمین می‌کنند؛ افزون‌بر آنکه زنده بودن جامعه نیز در امتداد این امور تضمین می‌گردد. به بیان دیگر، استمرار حیات یک جامعه در گرو انتقال فرهنگ آن بوده و التزام افراد نسبت به عناصر فرهنگی، ضامن استمرار این حیات است. بدین ترتیب عدم کنترل هنجارشکنی و گسترش انحرافات اجتماعی، آسیب‌های عمیقی بر جامعه وارد می‌کند و زیست اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد و در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اختلال عظیمی ایجاد می‌کند و جامعه را در رسیدن به اهدافش، عقیم می‌گذارد. سنجش میزان موفقیت جامعه در گرو تحقق اعتباریاتی است که راهنمای کنش انسان اجتماعی و نقشه راه روابط نهادها و تحقق نظم اجتماعی به حساب می‌آیند. نظر به جایگاه رفیع اعتباریات اجتماعی و پیامدهای سوء انحرافات اجتماعی، صیانت از آن اعتباریات و هنجارمندی کنشگران اجتماعی اهمیت زیادی دارد. این امر افزون‌بر تصمیم‌سازان و مجریان، برای اندیشورزان و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی نیز که تحلیل و شناخت پدیده‌های اجتماعی را پیگیری می‌کنند، مصداق دارد؛ از این رو شناخت مقدار عینیت یافتن اعتباریات اجتماعی در رفتار جمعی و میزان و نوع هنجارمندی و عدم هنجارمندی کنشگران و نیز تبیین علّی و کارکردی این مسأله، برای علم اجتماعی اهمیت دارد. در همین راستا است که همواره بخشی از تلاش علمی پژوهشگران علم اجتماعی و مجریان جامعه را مقولات مرتبط با پیشگیری و صیانت از قواعد رفتار اجتماعی و پیامدهای آن شکل داده است. به گفته برخی جامعه‌شناسان، مطالعه جرم و کج‌روی، یکی از جالب‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین حوزه‌های جامعه‌شناسی است (گیدنز، ۱۳۸۹، ص ۲۹۴). این بحث در ادبیات علوم اجتماعی در قالب مفاهیمی چون پیشگیری و کنترل اجتماعی دنبال شده است. می‌توان نقطه عزیمت اندیشه‌ورزی پژوهشگران حوزه اجتماعی و نظریه‌پردازان دانش اجتماعی را همین مسأله معرفی کرد. در واقع وجود برخی کج‌روی‌ها در جامعه انسانی و نقش تخریب‌گر آن نسبت به نظم اجتماعی، باعث شده



تا عالمان اجتماعی در این مورد اندیشورزی کنند و عوامل و مسیرهای تکوین انحرافات را تحلیل کرده و شیوه پیشگیری از کج‌روی و هنجارمندی را معرفی نمایند. به همین جهت بسیاری از عالمان اجتماعی در حوزه جامعه‌شناسی و حقوق به این مقوله پرداخته‌اند و علاوه بر نگارش کتاب‌های متعدد در این باب که با عناوین مختلفی چون انحرافات و پیشگیری و کنترل اجتماعی انتشار یافته است، در اغلب آثار مربوط به مبانی جامعه‌شناسی نیز بخشی از آن، به همین مسأله اختصاص یافته است. مقوله پیشگیری، در وجوه مختلف کیفری و غیرکیفری قابل پیگیری است. صورت اول مسیر هنجارمندی اکرایی را فراهم می‌کند؛ اما دومی تضمین‌کننده هنجارمندی عمدتاً متعهدانه و همدلانه است. این بخش، صورت‌های مختلف دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، جامعه‌مدار است. این نوع پیشگیری بر نقش برجسته زمینه اجتماعی در شکل‌دهی رفتار اجتماعی تأکید دارد و بدین ترتیب بر این فرض استوار است که بخش زیادی از رفتارهای انحرافی به این عوامل مستند می‌گردد؛ از این رو به جای تأکید بر افراد و بهره‌گیری از مجازات آنان، بر اصلاح بسترهای اجتماعی تسهیل‌کننده رفتار انحرافی توجه می‌کند. با توجه به این واقعیت، شناسایی عوامل کلان اثرگذار بر رفتاری اجتماعی و کنترل عوامل محیطی و فرهنگی تولید کج‌روی اهمیت پیدا می‌کند که در رویکرد پیشگیری جامعه‌مدار پیگیری می‌شود، تا بدین طریق هنجارمندی، بویژه بُعد متعهدانه آن، در جامعه نهادینه گردد. این عناصر در صورت‌های مختلف قابل پیگیری است و در این مقاله دو بُعد تعلقات اجتماعی و سلامت مظاهری اجتماعی از منظر آیات وحیانی بررسی می‌گردد. همچنین نشان داده خواهد شد که از نگاه وحیانی، چگونه از مسیر تقویت سلامت تظاهرات رفتاری و نیز بسط و نهادینه‌سازی تعلقات اجتماعی، می‌توان هنجارمندی متعهدانه را با پرداخت کمترین هزینه اجتماعی گسترش داد. این امر براساس روش تفسیر موضوعی و استفاده از شیوه تحلیلی منطقی در تفسیر آیات سازمان می‌گیرد که بر بهره‌گیری از عقل منبعی در بخش تبیین داده‌های وحیانی و به تعبیر دیگر در بخش شناخت مقاصد آیات وحیانی و نه فهم معانی و مراد استعمالی آیات استوار است.^۱

پرسش کلی این است که پیشگیری جامعه‌مدار در منطق قرآن کریم چگونه سازمان می‌گیرد؟ به بیان دیگر، از منظر قرآن کریم چگونه می‌توان از مسیر پیشگیری جامعه‌مدار و از مسیر بسط و نهادینه‌سازی تعلقات عاطفی و نهادینه‌سازی سلامت مظاهر اجتماعی، به بسط هنجارمندی کمک کرد؟ ضرورت کشف نظریه وحیانی از این جهت است که قرآن کریم، خود را کتاب فطرت معرفی کرده است. این واقعیت، نشانگر تناسب آموزه‌های وحیانی با نیازهای وجودی انسان اجتماعی و نیز معرفی دقیق انسان فطری و مسیر تعیین رفتار درست و نادرست در حوزه فردی و اجتماعی و نحوه تعدیل کنترل رفتار اجتماعی به منظور عینیت بخشی به قواعد زندگی است. نظریه وحیانی در مورد جهان اجتماعی و به طور خاص پیشگیری اجتماعی، زوایایی از رفتار انسانی را روشن می‌سازد که در دیگر نظریه‌ها، به خاطر تغذیه

۱. تفسیر قرآن کریم در سه بخش بیان معانی آیات و کشف از مقاصد و مدالیل آن قابل پیگیری است.

از مبادی معرفتی متفاوت، مورد غفلت قرار می‌گیرد. البته این واقعیت به معنای نفی هرگونه وجوه اشتراک بین نظریه و حیانی و دیگر نظریه‌ها در حوزه پیشگیری نیست. ولی وجود برخی تمایزات، استخراج نظریه و حیانی را ضروری می‌سازد. اهمیت پیشگیری به طور طبیعی تأملات نظری و تولید آثار مختلف در این باب را بدنبال دارد و بسیاری از عالمان حقوق و جامعه‌شناسی به این امر پرداخته‌اند و کمتر اثری در حوزه مبانی جامعه‌شناسی می‌توان یافت که به نوعی به این مسأله نپرداخته باشد. در حوزه قرآن‌پژوهی، هرچند برخی از آثار، در اثنای مباحث مربوط به مسأله کج‌روی و جرم، به عنصر پیشگیری نیز پرداختند؛ ولی در بررسی‌ها کمتر اثری یافت شد که به طور مستقل پیشگیری اجتماعی را در قرآن، بویژه در مسأله جامعه‌مدار که محور گفتگو در این پژوهش است، مد نظر قرار داده باشد. بسیاری از پژوهشگران در آثار خود، برخی از زمینه‌های اجتماعی اثرگذار بر پیشگیری جامعه‌مدار از منظر آیات و حیانی را بررسی کرده‌اند که جایگاه نقش حجاب و عفاف و رفتارهای جنسی و نیز جایگاه خانواده و امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری اجتماعی، پرتکرارترین آنها است. به عنوان نمونه، صالحی‌زاده (۱۳۹۵)، در کتاب «شناخت علل کج‌روی و راه‌های کنترل آن»، عناصر مختلفی همچون حجاب و عفاف و تربیت و مجازات را از منظر قرآن کریم و روایات ذکر کرده است. محمدی جورکویه (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی»، شیوه‌های غیرکیفری پیشگیری از جرائم جنسی، از قبیل پرهیز از اختلاط و تبرج و تشویق به ازدواج را تبیین کرده و جایگاه خانواده را نیز در این زمینه ممتاز دانسته است. قربانی مقدم (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «راهبرد اساسی قرآن کریم در پیشگیری از جرم و انحراف و تشکیل جامعه سالم»، تربیت اجتماعی را مطرح کرده و در این شیوه بر تربیت توحیدی و عناصر اخلاقی برای نهادینه شدن همت گمارده و تأثیر آن در پیشگیری از کج‌روی را شرح داده است. آقاجانی (۱۳۸۱)، در پژوهشی با عنوان «استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی» بحث کج‌روی را بررسی کرده و عناصر مختلف پیشگیری اجتماعی را برشمرده و مقولاتی چون امر به معروف و تربیت اجتماعی را بررسی کرده است. وجوهی که نگارش این اثر را موجه می‌سازد، در این است که هرچند برخی مؤلفه‌های آثار ذکر شده، با رویکرد جامعه‌مدار همخوانی دارد، ولی برخلاف این پژوهش، مسأله اصلی آن آثار را شکل نمی‌دهد. از سوی دیگر، عناصری از پیشگیری جامعه‌مدار در این مقاله پیگیری می‌شود که در تحقیقات پیشین مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین، در پژوهش حاضر، تلاش شده تا اصل رویکرد جامعه‌مدار تحلیل شود و در یک صورت‌بندی کلان، عناصر کلان اجتماعی بر مدار این رویکرد تبیین شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. پیشگیری اجتماعی و جامعه‌مدار

پیشگیری در ادبیات علوم اجتماعی در دو معنای عام و خاص یا موسع و مضیق به کار می‌رود. کاربرد



موسع آن، قسیم سازوکارهای دیگر، از قبیل جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نیست، بلکه همه در پوشش آن قرار می‌گیرند. جرم‌شناسان پیشگیری را در معنای عام، همه روش‌ها و اقداماتی می‌دانند که در جامعه به کار گرفته می‌شود، تا مانع انجام یا تکرار رفتار انحرافی گردد و شامل همه راهکارهای ایجابی، سلبی، کیفری و غیرکیفری بوده که در راستای هدف ذکر شده قرار می‌گیرد (کراوفرد، ۱۳۹۷، ص ۱۷-۱۶؛ ابازری فومشی و رضایی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴؛ میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۲؛ ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۵۶۷). در واقع پیشگیری در این معنا، مجموعه اقداماتی است که پیش، هنگام و پس از وقوع بحران با هدف جلوگیری از وقوع مخاطرات یا کاهش زیانبار آن انجام می‌شود (قره‌باغی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰). اما معنای مضیق پیشگیری، در مقابل کنترل اجتماعی و البته در بعد رسمی آن قرار می‌گیرد و تنها به شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که قبل از وقوع جرم و رفتار انحرافی و بدون بکارگیری ابزار کنترل اجتماعی اطلاق می‌شود.^۱ به تعبیر برخی از جرم‌شناسان، پیشگیری اجتماعی به جای مجرمان بر جرایم متمرکز بوده، و به حذف زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری جرم و انگیزه‌های مجرمانه توجه دارد؛ کنترل فقر و نابرابری نمونه آن است (کلارک و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۱؛ مک لاولین و مانسی،^۲ ۲۰۱۳، ص ۶۳؛ پرادل، ۱۳۷۳، ص ۹۶). این مفهوم از پیشگیری در واقع، جنبه پیشینی نسبت به وقوع جرم دارد و قبل از شکل‌گیری جرم و کج‌روی را مد نظر دارد و در بسیاری از موارد هنگامی که از عبارت پیشگیری اجتماعی سخن گفته می‌شود، همین معنا مراد است و بدین‌ترتیب درباره مجازات مختلفی که بعد از وقوع کج‌روی صورت می‌گیرد، مصداق ندارد و در این باب از مفهوم کنترل اجتماعی استفاده می‌شود. به همین جهت برخی در بیان تفاوت این دو روش، از هدف متفاوت آن دو سخن می‌گویند؛ به این صورت که هدف از پیشگیری کنترلی، جلوگیری از ارتکاب یک عمل مجرمانه‌ای است که استعداد مجرمانه فرد از قبل توسعه یافته باشد. اما پیشگیری اجتماعی سعی در حذف یا کاهش علل اجتماعی جرم دارد (هبریچ و همکاران،^۳ ۲۰۱۲، ص ۲۳). پیشگیری جامعه‌مدار در چارچوب مفهوم مضیق قرار می‌گیرد و مصداقی از آن می‌باشد. این نوع پیشگیری، جنبه پیشینی نسبت به جرم داشته و بر نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در تکوین جرم و انحرافات اجتماعی تأکید دارد؛ بدین جهت، به جای بکارگیری مجازات و عوامل سلبی در جهت جلوگیری از ارتکاب جرم و کج‌روی، راه‌حل حفاظت از هنجارهای اجتماعی و قرار گرفتن جامعه از مسیر کنشگری متعهدانه و هنجارمندی غیراکراهی و همدلانه را در اصلاح زمینه‌های اجتماعی کج‌روی می‌کند. به گفته برخی جرم‌شناسان، این پیشگیری، شامل اقدام‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و پیشگیرنده‌ای می‌شود که نسبت به محیط‌هایی که فرد در آنها زندگی و کار می‌کند، اعمال می‌گردند. مبنای این نوع

۱. کنترل اجتماعی نیز کارکرد پیشینی و پسینی دارد؛ به این معنا که از یک‌سو ناظر جرمی و رفتار انحرافی است که اتفاق افتاده و از

یک جهت بازدارندگی نسبت به رفتار انحرافی آینده را مد نظر دارد (Innes, 2003, p. 3-4)

2. McLaughlin & Muncie

3. Hebberecht



پیشگیری، شناسایی عوامل مختلف محیطی بزهکاری به‌منظور خنثی کردن یا دست‌کم کاهش آثار آنها است؛ در پیشگیری جامعه‌مدار، بزهکاری با بهبود شرایط زندگی در یک محیط معین، به‌طور مستقیم بر رفتار مجرمانه تأثیر می‌گذارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۵۷۰). به‌عنوان نمونه، اجرای عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی، نمونه‌ای از پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار است که مانع ظهور بخشی از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی می‌گردد و از بروز برخی رفتارهای اجتماعی جلوگیری می‌کند. در همین راستا، برخی با اشاره به سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مصادیق پیشگیری جامعه‌مدار معتقدند، در جوامعی که دارای روابط اجتماعی قوی، چه به‌صورت رسمی (مانند انجمن‌های مدنی، کلوپ‌ها و غیره) و چه غیررسمی (مانند صحبت کردن و به‌اشتراک گذاشتن اطلاعات با همسایگان) هستند، جامعه بهتر می‌تواند منابع داخلی و خارجی را برای مقابله با مشکلات مشترک بسیج کند (استوکس و همکاران^۱، ۲۰۲۰، ص ۶).

۲-۲. کج‌روی اجتماعی

یکی از مفاهیمی که در چارچوب مفهومی این پژوهش باید بررسی شود، مفهوم کج‌روی است. مسأله پیشگیری که نظر به هنجارمندی مطرح می‌شود، با کج‌روی که درمقابل آن است، ارتباط تنگاتنگ دارد. کج‌روی در ادبیات جامعه‌شناسی، با مفهومی که در فرهنگ قرآن کریم از آن اراده می‌شود، تمایز روشنی دارد. کج‌روی در ادبیات جامعه‌شناسی ناظر به رفتاری است که حریم هنجارهای اجتماعی را شکسته باشد. درواقع آنان در تعریف کج‌روی اجتماعی^۲ بر هنجارهای پذیرفته شده و شکسته شدن آن تأکید دارند و هرگونه رفتاری که مخالف آن هنجارها صورت گیرد و به بیان دیگر، هنجارهای پذیرفته شده را نقض کند، مصداق انحراف اجتماعی شمرده می‌شوند (موشانگا^۳، ۲۰۱۳، ص ۱۴؛ ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵؛ بیبی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱). برخی نیز آن را به شکسته شدن هنجارهای رسمی، یعنی هنجارهایی که قوانین کنترل رسمی بر آن نظارت دارد، اطلاق می‌کنند (بلک^۴، ۲۰۱۰، ص ۹). جامعه‌شناسان با توجه به تفاوت مصادیق کج‌روی در جوامع مختلف، آن را نسبی می‌دانند و آن را به رفتار خلاف هنجار که به اقتضای تعدد جوامع تمایز می‌یابد، تعریف می‌کنند. از همین‌رو، برخی جرم‌شناسان بر این باور هستند که نمی‌توان تعریف جهان‌شمولی از آن ارائه داد؛ ممکن است رفتاری چون هم‌جنس‌گرایی در جامعه‌ای مصداق کج‌روی شمرده شود؛ در عین‌حال در جامعه‌ای دیگر، بهنجار قلمداد گردد و بدین ترتیب، کج‌روی در ادبیات جامعه‌شناسی عنوانی سیال و هویتی نسبی‌گرایانه دارد (موشانگاه، ۲۰۱۳، ص ۱۵). اما

1. Stokes
2. Social deviance
3. Mushanga
4. Black



در فرهنگ قرآن کریم، به رفتار انحرافی از موضع عرفی و در چهارچوب پذیرش اجتماعی نگاه نمی‌شود. از آنجا که قواعد و حیانی ناظر به تنظیم زندگی، از واقعیت نفس‌الامری پیروی می‌کند و بر محور مصالح و مفاسد واقعی سازمان می‌یابد، هویت نسبیت‌گرایانه ندارد؛ بنابراین، امری که در آموزه‌های و حیانی انحراف شمرده شده، در همه فرهنگ‌ها مصداق دارد. لذا، صرف نظر از پذیرش و عدم پذیرش اجتماعی، رفتار خلاف هنجارهای اسلامی، انحراف و مفسده شمرده می‌شود و در صورتی که قبیح یک رفتار زشت در جامعه از بین برود، تأثیری در مفسده بودن آن ندارد و مسأله زنا نمونه آن است. قرآن کریم درباره زنا می‌فرماید: «إِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء، ۳۲)، «آن (زنا) همواره زشت و بد راهی است». برخی از اندیشمندان اسلامی معتقدند که، هیچ‌گاه با تکرار این عمل و علنی شدن آن و گرایش اکثریت مردم روی زمین، قبیح واقعی آن از بین نمی‌رود و واقعیت آن دگرگون نمی‌گردد. از همین رو برای این عمل، «حق مجازات» نیز قرار داده شده و در اجرای این «حق» هم سخت‌گیری شده است (مصباح‌پزدی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۱۶). انحراف و کج‌روی در فرهنگ قرآن در ذیل مفاهیم مختلفی چون سیئه (بقره، ۸۱؛ یونس، ۲۷)، اثم (مانده، ۱۰۷)، ذنب (تکویر، ۹)، منکر (مانده، ۷۹؛ نور، ۲۱)، جرم (دخان، ۲۲؛ مرسلات، ۴۶)، فاحشه (آل عمران، ۱۳۵)، لثم (نجم، ۳۲)، و وزر (اسراء، ۱۵) آمده است. این عناوین مختلف، درباره همه آموزه‌های و حیانی که در قالب واجب و حرام مطرح شده، اعم از رفتار فردی و اجتماعی، به کار می‌رود؛ به عنوان نمونه، نخواندن نماز و تهمت به دیگران که یکی فردی و دیگری اجتماعی است، مصداق گناه و سیئه و منکر شمرده می‌شود. در واقع، در فرهنگ قرآن کریم، مفسده و کج‌روی رفتاری فردی و اجتماعی است که برخلاف یکی از آموزه‌های و حیانی انجام می‌گیرد، هرچند این آموزه در جامعه رسمیت نیافته باشد و در قانون رسمی و هنجارهای عرفی انعکاس نیافته باشد. کج‌روی در قرآن کریم به شکستن قوانین واجب و حرام محدود نمی‌شود و به هنجارهای معطوف به امور مستحب و مکروه نیز سریان می‌یابد. البته حساسیت نسبت به حرام و واجب متفاوت از مستحب و مکروه است، همانگونه که هنجارهای مربوط به حرام و واجب نیز از وزن یکسانی برخوردار نیستند؛ برای همین مجازات یکسانی برای آن وضع نشده است.

۳. مسیرهای و حیانی پیشگیری جامعه‌مدار

تردیدی نیست که شیوه‌های سلبی هنجارمندی که از مسیر اعمال محدودیت‌ها و مجازات‌های مختلف می‌گذرد، در مهندسی و حیانی نظم اجتماعی اهمیت بالایی دارد. تأکید فراوان بر انداز که در آیات متعدد قرآن آمده، نشانه این واقعیت است. بخش زیادی از آیات و حیانی را هشدار نسبت به عواقب گناه و انحراف، شکل می‌دهد. همچنان‌که در آیات مختلف بر مجازات دنیوی نسبت به کج‌روی تأکید شده است. این واقعیت بر تأثیرگذاری عمیق این شیوه پیشگیری دلالت دارد و می‌توان گفت که چه‌بسا آثار

قوی‌تری نسبت به جنبه‌های ایجابی هنجارمندی در زندگی انسان ایجاد می‌کند. به گفته برخی مفسران، اقبال مؤمنان به انجام واجبات و ترک محرمات و شوق کمتر نسبت به بسیاری از مستحبات چون نماز شب که فضیلت بی‌شماری برای آن شمرده شده، نشانگر همین واقعیت است. عدم توصیف پیامبر اکرم (ص) به صرف مبشّر بودن، برعکس صفت نذیر که به تنهایی مطرح شده (آل عمران، ۳۱)، از همین منظر قابل تفسیر است (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۶۰، ص ۳۶۴-۳۶۳). در کنار این سازوکار پیشگیری که کنش اکراهی هنجارمندی را بدنبال دارد، شیوه‌های منجر به کنش‌های غیراکراهی و همدلانه هنجارمندی نیز در مهندسی وحیانی پیشگیری جایگاه ممتاز و می‌توان گفت در اولویت آن مهندسی وحیانی قرار دارد. تأکید بر شیوه‌های نرم‌افزاری تربیت که در قالب تعلیم و تزکیه مطرح شده (جمعه، ۲؛ بقره، ۱۲۹؛ آل عمران، ۱۶۴) و ارائه شیوه‌های سه‌گانه دعوت جامعه نسبت به آموزه‌های وحیانی (نحل، ۱۲۵)، نشانگر همین واقعیت است. بخشی از این فرایند را پیشگیری جامعه‌مدار شکل می‌دهد که بر هموارسازی زمینه‌های اجتماعی هنجارمندی و حذف عوامل اجتماعی ظهور کج‌روی تأکید دارد. تحلیل پیشگیری جامعه‌مدار، با مسأله کلان نسبت جامعه با فرد ارتباط دارد که از مسائل فلسفه علم اجتماعی است. عوامل ساختاری و نظم‌های کلان جامعه در شکل‌گیری کنش‌های انسانی و نحوه کنشگری انسان در مواجهه با هنجارهای اجتماعی، نقش برجسته ایفا می‌کند و وجود برخی از زمینه‌های اجتماعی، بستر روانی هنجارمندی و سلامت اجتماعی و یا آسیب‌ها و کج‌روهای اجتماعی را آماده می‌سازد و حتی در فرایند جامعه‌پذیری نیز اختلال ایجاد می‌کند و بازدارندگی مجازات اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ بنابراین، بخشی از مقولات مرتبط با هنجارمندی را می‌توان در حاشیه عوامل و زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی یافت. روشن‌ترین بخش ربط جامعه با هنجارمندی در توان و اثرگذاری جامعه بر اراده و رفتار فرد است. آیات متعدد قرآن کریم، نقش اثرگذار جامعه و عوامل اجتماعی در بروز برخی رفتارها را به تصویر می‌کشد، از جمله، آیات مرتبط با توبیخ منحرفانی که از جامعه کفر مهاجرت نکردند: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» (نساء، ۹۷)، «کسانی که بر خویشان ستمکار بوده‌اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند، می‌گویند: «در چه [حال] بودید؟» پاسخ می‌دهند: «ما در زمین از مستضعفان بودیم». می‌گویند: «مگر زمین خدا وسیع نبود، تا در آن مهاجرت کنید؟». همچنین آیاتی که تأثیر اجتماعی صاحبان منزلت و برخی بزرگان را گزارش می‌دهد: «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا» (احزاب، ۶۷)، «و می‌گویند: «پروردگارا، ما رؤسا و بزرگ‌تران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند». مسأله اکابر و اعیان، غیر از مسأله تقلید اسلاف است. اکابر همان است که بیکن آن را «بت‌های نمایی» می‌نامد. مراد این است که شخصیت بزرگ علما و دانشمندان، فکر انسان را گمراه می‌کند. همین امر باعث می‌شود که وقتی هم به خیال خودش آزاد فکر می‌کند، نمی‌داند که در زنجیر مرعوبیت عظمت بزرگان است (مطهری،



۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۹۴). آیاتی که نقش تقلید از اقوام و سنت‌های قومی را در انحراف برخی از اقوام برجسته می‌کند، «أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يُعْبَدُ آبَاؤُنَا» (هود، ۸۸)، «آیا آنچه پدران ما می‌پرستیدند را ترک کنیم». آیات ذکر شده، نشانگر اهمیت جایگاه جامعه و تأثیرگذاری آن در تعیین رفتار آدمی بوده و بخشی از هنجارگریزی یا هنجارمندی و تنوع‌کنش‌ها را باید بر محور اقتضانات اجتماعی نگاه کرد. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۸۲ سوره مائده، واقعیت ذکر شده را اینگونه توضیح می‌دهد: زمانی می‌توان رفتار مطابق با حق انجام داد که بعد از شناخت آن و عدم استکبار که زمینه روانشناختی پذیرش درونی را فراهم می‌سازد، جامعه نیز باید نسبت به آن همراهی داشته باشد؛ در غیر این صورت انجام یا ترک رفتار خلاف پذیرش جامعه، بویژه عملی که در دوران طولانی در جامعه ملاک عمل قرار گرفته و طبیعت دوم افراد شده، سخت است (طباطبایی، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۸۱). در این زمینه برخی راه افراط را طی کرده‌اند و از سلطه جامعه بر فرد سخن گفته و نقش عاملیت را در تکوین رفتار فرد نادیده گرفته‌اند؛ بدین ترتیب تنها بر جنبه‌های اجتماعی اثرگذار بر کج‌روی تأکید داشته و بر این باورند که، تنش‌ها در جامعه محصول خود جامعه بوده و ربطی به ویژگی‌های درونی فرد ندارد (وایت و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴، ۱۳۷). در فرهنگ قرآن که بر فطرت تأکید می‌شود، فرد در جامعه حل نمی‌شود و به‌رغم تأثیر چندوجهی جامعه بر فرد، وجود فطرت و حفظ اختیار انسان، امکان تأثیرگذاری فرد بر جامعه، همچنین مقاومت در برابر قدرت جامعه را امکان‌پذیر می‌کند. آیات ناظر به وعده و وعید در قرآن کریم و نقد نسبت به برخی رفتارهای اجتماعی و فرهنگ زمانه از قبیل نقد بر تقلید کورکورانه (بقره، ۱۷۰-۱۷۱) و نیز دعوت به مقاومت در برابر فرهنگ زمانه (هود، ۱۱۲؛ مزمل، ۱۰؛ ص، ۱۷) نشانگر واقعیت ذکر شده است. این اثر با عطف توجه به این واقعیت سامان گرفته و ضمن پذیرش نقش تعیین‌کننده فرد در تحولات اجتماعی، اهمیت و جایگاه ساختار را مورد توجه قرار داده و بدین ترتیب رویکرد جامعه‌مدار را در قرآن کریم بر محور برخی عناصر برجسته تحلیل کرده است.

۳-۱. پیوندهای عاطفی اجتماعی

مهم‌ترین شیوه‌های پیشگیری اجتماعی را در حوزه همبستگی و گسترش تعلقات اجتماعی می‌توان ملاحظه کرد. اصل زیست اجتماعی انسان مبتنی بر نیاز وی به روابط اجتماعی بوده و این نیاز بر پایه عواطف انسانی بنا شده که ریشه در فطرت او دارد. بنابراین، عواطف یکی از پایه‌های زیست اجتماعی بوده و به گفته برخی از متفکران، ملاط و چسب اجتماعی است (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۳۹؛ استارک و بن بریج، ۱۴۰۱، ص ۹). افراد با خواسته‌ها و تمایلات متفاوت در جامعه، کنشگری می‌کنند، این تمایلات و خواسته‌های پراکنده، در صورتی به وحدت و همدلی می‌رسد که با احساس تعلق درونی و پیوند عاطفی پیوند بخورد. عمق یافتن همبستگی اجتماعی و احساس تعلق نسبت به یکدیگر، در

پیشگیری از بخشی از رفتارهای انحرافی اثرگذار است. نهادینه شدن همبستگی مبتنی بر تعلق اجتماعی، هنجارمندی متعهدانه را در جامعه به ارمغان می‌آورد؛ به این معنا که افراد به دور از ملاحظه سود و زیانی که می‌برند، تعهد خود به قواعد رفتاری مورد احترام گروه را نشان می‌دهند. در واقع، فرد به خاطر محبت به دیگران و احساس تعلقی که به آنان دارد، به قواعد مورد پذیرش‌شان احترام می‌گذارد و به‌رغم فراهم بودن شرایط و فرصت دستیابی به سود و منافع شخصی و گروهی بیشتر، از شکستن آن قواعد پرهیز می‌کند. برعکس، هر مقدار تعلقات گروهی کمتر شود و به جای آن کینه و نفرت جایگزین شود، وجوهی از کج‌روی‌ها و هنجارشکنی‌ها افزایش می‌یابد. علامه طباطبایی در تبیین آثار انفاق، بویژه انفاق مستحبی که در قرآن کریم به صورت‌های مختلف بر آن تأکید شده،^۱ به همین مسأله اشاره می‌کند و نقش آن را در کاهش کج‌روی از مسیر گسترش عواطف نشان می‌دهد؛ چنانکه می‌نویسد: شیوه‌های مختلف انفاق به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصری که بنیاد جامعه بر آن استوار است، روح وحدت را در جامعه انسانی می‌گستراند و نیروهای متفرق را متحد می‌کند و جامعه را در راستای دفع آسیب‌های کشنده و آزار دیگران تقویت می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۱۸). هنگامی که عواطف و محبت بر جامعه حاکم و قلب‌ها نسبت به یکدیگر مهربان باشد، همین عامل، مانع مهمی برای پیشگیری از انحرافات اجتماعی بوده و در واقع محبتی که بر قلب‌های افراد جامعه حاکم می‌شود، دل‌ها را از طغیان غضب و رفتار انحرافی چون اختلاس و فساد و سرقت باز می‌دارد و اغلب راه‌هایی که به فساد و نابودی اموال منجر می‌شود را می‌بندد و به طور فزاینده‌ای بر رشد اقتصادی نیز کمک می‌کند (طباطبایی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۱۹-۴۱۸). بنابراین، تأثیر تعلقات اجتماعی را دو سطح فردی و اجتماعی می‌توان نشان داد. سطح فردی به این صورت است که هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی در ربط با تعلق با کسانی که قرار دارد که آن هنجارها را پذیرفته‌اند؛ در نتیجه هرچه رابطه عاطفی بین افراد و کسانی که اعتبار آن هنجارها را پذیرفته‌اند، کمتر باشد، هم‌نوایی نیز کمتر شده و هنجارشکنی افزایش می‌یابد. سطح اجتماعی بدین‌گونه است که میزان هم‌نوایی در جامعه‌ای زیاد است که تعلقات گروهی در آن بیشتر باشد. بدین ترتیب در جامعه‌ای که تعلقات گروهی در آن کمتر است، هنجارشکنی نیز افزایش می‌یابد. تأکید قرآن کریم بر عواطف اجتماعی، جایگاه آن را در زندگی جمعی و بسترسازی هم‌نوایی اجتماعی نشان می‌دهد. تعریف بنیان خانواده بر محبت و رحمت، از جمله آن است؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»، «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد» (روم، ۲۱). اهمیت جایگاه مودت در جامعه که به عنوان ملاط اجتماعی شمرده می‌شود، باعث شده تا برخی مفسران در تبیین حکمت تأکید قرآن کریم بر تکریم

۱. از جمله این آیات عبارتند از: تأکید بر انفاق در زمان تنگدستی (بلد، ۱۱-۱۴)، انفاق چیزی که محبوب انسان است (آل عمران، ۹۲)، ممنوعیت نهی از منت‌گذاری پس از انفاق (بقره، ۲۶۴)، پرهیز از انفاق مال بی‌ارزش (بقره، ۲۶۷).



والدین، این کارکرد را برجسته کنند. بنابراین، وجود عواطف اجتماعی، سهم زیاد و بی‌بدیلی در همبستگی و هم‌نوایی و تعهد نسبت به حریم قواعد مورد احترام جامعه ایفا می‌کند. ظاهر آیه ۱۵۹ سوره آل عمران را می‌توان مصداق روشن موضوع ذکر شده بیان کرد، «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»، پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد. در این آیه شریفه، یکی از عوامل پذیرش پیامبر اکرم (ص) و تمکین به فرامین آن حضرت، به وجود علقه عاطفی بین مردم و رهبر جامعه مستند گردیده و به تعبیر برخی مفسران، این ویژگی، باعث پذیرش دین اسلام شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۶۹؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۱۵۳). موضوع نقش پیوند عاطفی در پیشگیری، درباره هنجارهای رسمی جامعه که قانون‌گذاران و مجریان مشخصی دارد و از مسیر سازوکار قانونی، به آن مشروعیت می‌بخشند، مصداق روشن‌تری دارد. کینه و نفرت نسبت به کسانی که مشروعیت قواعد اجتماعی را تعیین می‌بخشند، بنیان روانشناختی شکستن آن را شکل می‌دهد. در واقع برخی کنشگران، از طریق شکستن قواعد مورد پذیرش و احترام آن متصدیان و مجریانی که پیوند قلبی و تعلق عاطفی بین آنان و دیگران، ضعیف یا گسسته شده است، به نوعی اعتراض خود را نشان می‌دهد و چه‌بسا در این مسیر هزینه‌های زیادی را نیز تحمل کنند، در عین حال، از این شیوه، خرسند باشند. در چنین جامعه‌ای که پیوند عاطفی در آن ضعیف شده و مسیر عاطفی پیشگیری اجتماعی آسیب دیده، در کارآمدی قوانین اختلال ایجاد می‌شود و به تعبیر علامه طباطبایی در چنین جامعه‌ای، قانون جاری نمی‌تواند به اصلاح آن کمک کند و سعادت دنیا و آخرت از آن جامعه رخت برمی‌بندد (طباطبایی، ۱۴۲۵ق، ج ۷، ص ۳۷۴). هرچند موضوع تعلقات اجتماعی و هم‌نوایی، درباره رأس هرم جامعه، یعنی امامت و رهبری، اهمیت ویژه و برجسته‌تری دارد، ولی در این بخش محدود نمی‌گردد و به همه قانونگذاران و مجریان نیز تعمیم می‌یابد. در واقع وجود پیوند عاطفی بین مردم و مسئولین جامعه، زمینه روانی هم‌نوایی با هنجارهای رسمی که مشروعیت آن توسط آنان پذیرفته شده را تسهیل می‌کند و آنان را به هنجارمندی نسبت به آن قوانین ترغیب می‌کند. در صورت گسست عاطفی بین رهبران و مردم، به طور طبیعی، هنجارمندی متعهدانه نسبت به آن قوانین کاهش می‌یابد و هزینه نظام سیاسی را برای کنترل اجتماعی از طریق بکارگیری ابزار کنترل رسمی و اعمال مجازات و تحمیل کنش‌آکراهی افزایش می‌دهد. هنجارمندی مبتنی بر تعلقات اجتماعی، افزون‌بر مسیر کنشگری متعهدانه، از مسیر کنش‌آکراهی نیز می‌تواند بر روند پیشگیری اثرگذار باشد. همچنین قوی بودن تعلقات گروهی، روحیه و کنشگری جمعی را تقویت می‌کند و افراد را نسبت به سرنوشت و موفقیت و شکست همگان حساس می‌گرداند. از این رو



اعضای گروه به نوع رفتار یکدیگر حساسیت نشان می‌دهند و آنان را به پیروی از هنجارها دعوت می‌کنند و در برابر تخلفات، موضع سلبی می‌گیرند. این اهتمام گروهی و ترس از ناراحتی دیگر اعضای گروه و احتمال طرد از طرف آنان، هنجارمندی اکراهی را ایجاد می‌کند؛ بدین ترتیب، او مجبور می‌شود به‌رغم میل خود، به هنجارهای مورد احترام گروه تمکین کند. از سوی دیگر، برقراری تعلقات عاطفی، زمینه موفقیت نظارت اجتماعی در مقابل هنجارشکنی را هموار می‌کند و مانع از واکنش منفی و پرخاشگریانه از سوی هنجارشکنان می‌گردد. در واقع، گاهی به خاطر فقدان پیوند عاطفی بین اعضای جامعه، تمکین هنجارشکنان در مقابل ناظران و آمران به معروف و ناهیان از منکر سخت می‌گردد و مقاومت‌شان بیشتر شده و چه‌بسا در کنار استمرار هنجارشکنی، رفتار پرخاشگریانه نیز بروز دهند؛ اما در صورتی که روابط عاطفی، حضور عمیق و گسترده در جامعه پیدا کند، مقاومت اجتماعی، بویژه مقاومت پرخاشگریانه در مقابل ناظران بیرونی کمتر و تمکین آنان نسبت به اقدامات ناظران، آسان‌تر و بیشتر می‌گردد.

۳-۲. شیوع تظاهرات رفتاری بهنجار

ظاهر جامعه و نوع تظاهرات رفتاری که به تدریج در آن صورت می‌گیرد، در ارزشمندی یک نوع رفتار و ترغیب و تشویق به آن اثر دارد. فشارهای اجتماعی نسبت به کنشگران، در سایه همان تظاهرات رفتاری محقق می‌گردد. سلامت مظاهر اجتماعی و پرهیز از تظاهرات رفتاری هنجارشکنانه از عناصر پیشگیری جامعه‌مدار است و هنجارمندی، اعم از متعهدانه و اکراهی را در پی دارد؛ در واقع بخشی از هم‌نوی‌های کنشگران نسبت به قواعد اجتماعی از مسیر سلامت مظاهر اجتماعی می‌گذرد. به عنوان نمونه، تظاهرات رفتاری عقیفانه، کنشگری عقیفانه را تشویق می‌کند و بستر ذهنی را برای پذیرش و نهادینه شدن آن آماده می‌سازد. قرآن کریم بر سلامت مظاهر اجتماعی تأکید دارد؛ از این‌رو، هرگونه تظاهرات رفتاری که این امر را مخدوش سازد را منع کرده است. مخالفت با اشاعه فحشاء را در راستای همین حکمت اجتماعی می‌توان ارزیابی کرد، «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (نور، ۱۹)، «کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود، و خدا [ست که] می‌داند و شما نمی‌دانید». تهدید به عذاب الیم درباره دوست داشتن شیوع فحشاء در جامعه مؤمنان، با اینکه هنوز به مرحله اراده و قصد نرسیده، چه رسد به فعلیت، بیان‌کننده اهمیت این گناه نزد شارع است. خدای سبحان برای حفظ امنیت اخلاقی جامعه و آبروی مردم، دو مرحله قبل از عمل (صرف علاقه، اراده و قصد) را گناه شمرده و به عذاب دردناک در دنیا و آخرت تهدید می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۵۹، ص ۵۰۰، ۵۰۷). برخی

۱. مفهوم فحشاء در قرآن کریم، اغلب درباره انحرافات جنسی بکار رفته است؛ ولی در اینجا معنای وسیع‌تری مد نظر بوده و هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و قبائح و کمک به توسعه آن را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۰۳).



مفسران در تفسیر آیه شریفه به درستی اشاره کرده‌اند که به دلیل اجتماعی بودن انسان، جامعه بزرگی که در آن زندگی می‌کند، از یک نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می‌شود، پاکی جامعه به پاکی او کمک می‌کند و آلودگی آن به آلودگی اش. روی همین اصل، در اسلام با هر کاری که جو جامعه را مسموم یا آلوده کند، شدیداً مبارزه شده است. اگر می‌بینیم در اسلام با غیبت شدیداً مبارزه شده، یکی از فلسفه‌هایش این است که غیبت، عیوب پنهانی را آشکار می‌سازد و حرمت جامعه را جریحه‌دار می‌کند. اگر می‌بینیم دستور عیب‌پوشی داده شده، یک دلیلش همین است که گناه جنبه عمومی و همگانی پیدا نکند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۰۵). به بیان دیگر، عنایت به سلامت تظاهرات رفتار اجتماعی جامعه و تأکید بر شکسته نشدن حریم هنجارهای اجتماعی برای این است که فشار ساختاری جامعه در کنترل رفتار اجتماعی و پرهیز آنان از هنجارشکنی حتی در صورت وجود اراده قوی به آن، از بین نرود. بخشی از هنجارمندی کنشگران اجتماعی به همین امر مستند می‌گردد. در واقع بسیاری از افراد که فرایند تربیت اجتماعی را به خوبی طی نکرده‌اند، در چارچوب کنش‌های اکراهی، هنجارمندی خود را به نمایش می‌گذارند و بدلیل مخدوش شدن امر فطری، نیاز به احترام اجتماعی که در صورت نقض هنجارها ایجاد می‌شود، به‌رغم میل درونی از آن تمکین می‌کنند. بنابراین، به تعبیر برخی مفسران: «از این گذشته، عظمت گناه در نظر عامه مردم و حفظ ظاهر جامعه از آلودگی‌ها خود سدّ بزرگی در برابر فساد است، اشاعه فحشاء و نشر گناه و تجاهر به فسق این سدّ را می‌شکند، گناه را کوچک می‌کند، و آلودگی به آن را ساده می‌نماید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۰۶). به دلیل این حکمت اجتماعی، در ادبیات دینی، اشاعه فحشاء و شکسته شدن قیح گناه، مورد نهی جدی قرار گرفته است؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص)، اشاعه دهنده فحشاء را همانند مرتکب آن معرفی کرده است، «من اذاع فاحشه کان کمبتدئها» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۰۴). ههه در برخی روایات نیز با استناد به همین آیه سوره نور، انتشار عیب مؤمن، به‌رغم آنکه برای فرد، مسلم شده باشد نیز نهی شده است. «من قال فی مؤمن ما رآه عیناه، و سمعت أذناه، کان من الذین قال الله - عزّ و جلّ - فیهم: إِنَّ الذّینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِی الذّینَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۲۷). علامه طباطبایی، در همین راستا به رفتار خلاف عفت اشاره می‌کند و پیامدهای مخدوش شدن سلامت جامعه در خصوص تظاهرات رفتاری عقیفانه را بدین صورت بیان می‌کند: هنگامی که رفتار خلاف عفت در جامعه شیوع نیافته باشد، واکنش منفی مردم را برمی‌انگیزد، باعث نفرت مردم از مرتکبین این عمل می‌شود؛ به گونه‌ای که از ازدواج و همنشینی با این افراد اجتناب نموده و به آنها در روابط اجتماعی اعتماد نمی‌کنند. طبیعی است که این واکنش اجتماعی، در ترک آن عمل اثرگذار خواهد بود، اما وقتی این رفتار در جامعه گسترش یابد، قیح اجتماعی آن شکسته شده و در نتیجه، آن تبعات اجتماعی ذکر شده نیز رخت برمی‌بندد و آن رفتار خلاف عفت استمرار می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۲۰؛ ج ۴، ص ۱۱۴).



به خاطر اهمیت همین موضوع، هرگونه تظاهرات رفتاری، مخالف با قواعد دینی ممنوع است؛ هرچند آن رفتار خصویت فردی داشته باشد و معطوف به کنش دیگران نباشد. به عنوان نمونه می‌توان به روزه‌خواری اشاره کرد. اصل روزه گرفتن عمل فردی بوده و روزه‌خواری در خلوت حکم متفاوتی دارد؛ اما همین رفتار فردی اگر در جامعه انجام شود، حرمت مضاعفی بر آن بار می‌شود و گاهی برای آن، تاوانی افزون‌بر کفاره تعیین شده، در نظر گرفته می‌شود. برخی متفکران اسلامی به درستی معتقدند که از نگاه اسلام، تظاهر به فسق یک امر اجتماعی محسوب می‌شود. اگر کسی گناهی را در انظار دیگران انجام بدهد، این گناه جرم حقوقی (در برابر لغزش اخلاقی) است و دولت می‌تواند دخالت کند. قانونی که چنین گناهی را منع کند، قانون حکومتی است که ضمانت اجرای دولتی دارد. پس، اگر گناهی در خلوت انجام گیرد و کسی از آن اطلاعی پیدا نکند، به دولت مربوط نمی‌شود و هیچ محکمه‌ای حق ندارد چنین کسی را محاکمه کند. همین که گناه جنبه اجتماعی پیدا کرد و باعث تجزیه دیگران شد، جنبه حقوقی و اجتماعی پیدا می‌کند و دولت باید جلوی چنین گناهی را بگیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۷۲). این اهتمام، نشانگر اهمیت سلامت ظاهر جامعه در نحوه شکل‌گیری رفتار انسانی و به طور خاص در پیشگیری از کج‌روی است. تأکید برخی جامعه‌شناسان در مورد سلامت جامعه، در همین راستا قابل فهم است. به تعبیر آگ برن، بدون سلامت جامعه بزرگ، سلامت خانواده و هیچ سازمان اجتماعی دیگر میسر نمی‌شود (آگ برن، ۱۳۸۰، ص ۲۵۸).

۴. نتیجه‌گیری

رویکرد جامعه‌مدار در پیشگیری اجتماعی، هنجارمندی را در مسیر تسهیل‌گری و بسترسازی کنشگری تحلیل می‌کند. در فرهنگ قرآن کریم، هرچند دوگانه‌ای بین رویکرد ایجابی و سلبی و ایجاد محدودیت در فرایند هنجارمندی وجود ندارد، ولی اولویت را در رویکرد ایجابی قرار می‌دهد و سازوکار هنجارمندی متعهدانه را تشویق می‌کند و آن را بر مسیر کنشگری اکرایی که توسط عناصر رسمی و غیررسمی کنترل اجتماعی اعمال می‌گردد، ترجیح می‌دهد. پیشگیری جامعه‌مدار، در این رویکرد قابل پیگیری است که بر آماده‌سازی و تسهیل‌گری زمینه‌های اجتماعی کنشگری همدلانه و هنجارمندی عمدتاً متعهدانه و حذف بسترهای اجتماعی کج‌روی تأکید دارد. این پژوهش مقوله ذکر شده را در دو مسیر تعلقات اجتماعی و سلامت مظاهر اجتماعی پیگیری کرده است. وجود تعلقات اجتماعی که نشانگر گسترش و نهادینه شدن عواطف اجتماعی است، همچون ملاط اجتماعی، همبستگی درونی و همدلی را در جامعه ایجاد نموده و بدین ترتیب هنجارمندی متعهدانه و کنشگری همدلانه را تسهیل می‌کند. در واقع، پذیرش مشروعیت هنجارهای اجتماعی که توسط برخی از گروه‌های اجتماعی تدوین شده و مبنای نظم اجتماعی قرار گرفته است را امکان‌پذیر می‌سازد. این واقعیت درباره هنجارهای رسمی که بویژه توسط مدیران و تصمیم‌سازان جامعه ایجاد می‌شود، مصداق روشن‌تری دارد. اما سلامت مظاهر اجتماعی،



معطوف به شکوه و اقتدار قوانین در فرهنگ عمومی شکل می‌گیرد، و حرمت و منزلت قوانین اجتماعی را در ذهنیت عمومی حفظ می‌کند و در واقع قداست هنجارها و اعتباریاتی که محور نظم اجتماعی است را در ذهن جامعه استوار نگاه می‌دارد و بدین ترتیب هنجارشکنی را تابوشکنی معرفی نموده و زمینه‌های ذهنی هنجارشکنی را از بین می‌برد. این واقعیت باعث می‌شود تا از گسترش هنجارشکنی کاسته شده و در نتیجه بدون بهره‌گیری از عناصر رسمی کنترل اجتماعی که مسیر اعمال مجازات مدون را طی می‌کند و به‌طور طبیعی هزینه‌های زیادی را بدنبال دارد، هنجارمندی محقق گردد.



منابع

- آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۱). استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی. *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۸-۲۰.
- آگبرن، ویلیام؛ نیمکوف، فرانسیس (۱۳۸۰). *زمینه جامعه‌شناسی*. مترجم امیرحسین آریان‌پور. تهران: نشر گستره.
- اباذری فومشی، منصور؛ رضایی‌پور، آرزو (۱۳۸۷). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق جزائی (کیفری)*. تهران: اندیشه عصر.
- استارک، رادنی؛ بن بریج، ویلیام سیمز (۱۴۰۱). *دین، کج‌روی و کنترل اجتماعی*. ترجمه مهدی صفار دستگردی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بی، ارل (۱۳۸۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی علمی/انتقادی*. ترجمه محمدحسین پناهی. تهران: دانشگاه علامه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. محقق/مصحح: جلال‌الدین محدث. قم: دار الکتب الإسلامية، ج ۱.
- پرادل، ژان (۱۳۷۳). *تاریخ اندیشه کیفری*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). *زن در آینه جلال و جمال*. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). *تسنیم*. قم: نشر اسراء، ج ۶۰.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹). *تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء، ج ۵۹.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان، ج ۱.
- صالحی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۹۵). *شناخت علل کج‌روی و راه‌های کنترل آن*. قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۲۵ق). *تفسیر المیزان*. قم: انتشارات جامعه مدرسین، ج ۶-۷، ۲، ۴.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر*. اردن: دار الكتاب الثقافی، ج ۲.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو، ج ۲.
- قربانی مقدم، محمد (۱۴۰۰). *راهبرد اساسی قرآن کریم در پیشگیری از جرم و انحراف و تشکیل جامعه سالم*. *قرآن، فرهنگ و تمدن*، شماره ۳.
- قرباغی، محسن (۱۳۸۶). *ترمینولوژی قوانین و مقررات*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کراوفرد، آدام (۱۳۹۷). *سیاست‌های پیشگیری از جرم در چشم‌انداز تطبیقی*. ترجمه علی افراسیابی. تهران: خرسندی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- محمدی جورکویه، علی (۱۳۹۴). *پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی در قرآن*. *قرآن، فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). *نظریه سیاسی اسلام*. قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی، ج ۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *مجموعه آثار*. قم: صدرا، ج ۴.



- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه، ج ۱۴.
- میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۸). پیشگیری وضعی از بزهکاری: با نگاهی به سیاست جنایی اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). پیشگیری عادلانه از جرم. در: مجموعه مقالات علوم جنایی. تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- وایت، راب؛ هینز، فیونا (۱۳۸۶). جرم و جرم‌شناسی. ترجمه علی سلیمی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- Black, D. (2010). *The behavior of law special*. Virginia, Emerald Group.
- Clarke, R. & et al. (2010). *Situational prevention of organised crime*. London, Willan Publishing.
- Hebberecht, P. & et al. (2012). *Social Crime Prevention In Late Modern Europe: A Comparative Perspective*. URL= <http://hdl.handle.net/1854/LU-2956169>
- Innes, M. (2003). *Understanding Social Control (Crim)*. London: Open University Press.
- McLaughlin, E., & Muncie, J. (2013). *The sage dictionary of criminology*. London: SAGE .
- Mushanga, M. (2013). *Crime and Deviance: An Introduction to Criminology*. LawAfrica Publishing.
- Stokes, R.J. & et al. (2020). *Innovations in Community-Based Crime Prevention*. Springer.